

#### حکم مخوم تاریخ

مردم کشورهای تونس، مصر و لیبی پیروز شدند و اکنون نوبت یمن و بحرین و اردن و سوریه و عربستان سعودی است که دیر یا زود اما بی‌یرگشت حکومت‌های خودکامشان را که پاسخگوی خواست‌های مردم نیست سرنگون خواهند کرد و آزادی و شیوه دموکراتیک اداره جامعه را جایگزین آن خواهند کرد و این فرایند تکاملی و تحولی جامعه‌های بشری ارتباط چندانی باایدئولوژی‌های مختلف مذهبی و غیرمذهبی ندارد زیرا تغییر بنیان‌ها و برقراری مناسباتی که در نتیجه انقلاب‌ها و تحولات دگرساز است، خود شالوده‌ای برای پیدایش آنها خواهد شد.

نکته‌ای که حایز اهمیت شایانی است، این است که این تحولات دگرگون‌کننده ممکن است و این احتمال را نمی‌توان نادیده گرفت که به حاکمیت‌هایی ظاهرالصلاح، مردمی، آزادی‌خواه تبدیل شوند که به ظاهر «فرمابه سالاری»‌هایی باشند ضدمردمی، دشمن آزادی و دموکراسی و حافظ منافع اقلیت کوچکی که در جریان شورش و انقلاب اهرم‌های قدرت سیاسی را به دست گرفته و رقبا را از صحنه رانده باشند و این جریانی است که کم در تاریخ تحولات جوامع بشری اتفاق نیفتاده است اما حرکت رو به جلو تکاملی تاریخ از پیشروی بازمی‌ایستد تا مردم هسند مبارزه است و تحقق هدف مورد نظر و در این تردید نمی‌توان کرد. ما درباره «حکم مخوم تاریخ» سخن گفتیم و این سخن نابه‌جا و بدون شالوده علمی نیست. علم تاریخ که «فاره» آن توسط مارکس گشوده شد، به ما می‌آموزد که همه صورت‌بندی‌های اجتماعی در تمام دوران تاریخ برای همیشه پایدار نمانده، دگرگون شده و با صورت‌بندی دیگری جایگزین شده است و این یک نیز ضرورتاً باید جای خود را به دیگری بسپارد؛ و اگر مشاهده می‌کنیم که با تلاشی تئوالود معماران این بنای فرسوده، فروپرتخیز آن را بر سرپا نگاه داشته‌اند، به دلیل آن است که خود محوو نابود نشوند که البته تلاش عبث و بی‌فمری است.

مبارزات مردم این منطقه- خاورمیانه- با تعلقات متفاوت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی‌شان، یک چیز را فریاد می‌زنند و آن رهایی از قید بندگی و آزادی است. مردمی که سالیان دراز نفس در سینه‌شان حبس و فریاد در گلویشان شکسته بود، اینک با مشت‌های گره کرده به میدان آمده‌اند تا نشان دهند که «وضع موجود» را بر نمی‌تابند و خواهند تغییر هسندند. نه تنها در پی تغییر و دگرگونی ساختار حاکمیت‌شان، بلکه بیرون راندن متجاوزانی که به سرزمین آنها چشم طمع دوخته‌اند. اینجاست که مبارات آزادیخواه در منطقه خاورمیانه و اعراب ساکن یک بخش از جهان، شکل همگنی، جهان شمول و سراسری به خود می‌گیرد و همه جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. چرا چنین است و چرا مبارزه سیاسی ملتی برای براندازی حکومت‌شکل جهانی به خود می‌گیرد، مرزها را می‌نوردد و به دیگر کشورها می‌وزد و آب در «خولنگه مورچگان» می‌ریزد؛ به دلیل آن است که سلطه ستم جهانی و خولست‌انسان‌های دربند برای آزادی و رهایی از رقیبت، چه زمینی و آسمانی، جهانی و همگنی در «هنکده جهانی» امروز، اگر مرزهای جغرافیایی هست ولی مرز فرهنگی وجود ندارد، نوعی یکپارگی و همگونی پدید آمده و انسان‌ها را درخواست‌ها و خواش‌های انسانی‌شان یکسان کرده است.

فلسطینی در سرزمین اشغال شده‌اش فریاد آزادی و رفاه اجتماعی سر می‌دهد و مردم فریب خورده و بیدار شده تل‌آویو و حیفا در اسرائیل نیز به خیابان‌ها می‌ریزند و شمار بر ضد حکومت‌شان سر می‌هند. یبکارن، قفسرزداگان و رانده‌شدگان ایالت‌های مختلف «جهان آزاد» و سرور دنیا، آمریکا در تظاهرات صدها هزار نفری همان قدر منتقد رهبران‌شان هستند و فریاد خشم سر می‌دهند که مردم کشورهای اروپایی که قرن‌ها بر اثر استثمار کشورهای تحت سلطه‌شان در رفاه و تنم می‌زیستند و نیز مردم کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین، بنابراین، این تنها «بهار خاورمیانه» نیست که خنده جان‌بخش شکوفه‌های بهاری در سرتاسر عالم است که نوید دگرگونی می‌دهد.

هم اینک تقاضای به حق مردم فلسطین در سازمان ملل که به‌عنوان کشوری مستقل به رسمیت شناخته شود و نمایندگان تمامی کشورهای جهان در جلسه همگانی به احترام این مردم و سرسختی و پایداریشان به پا می‌خیزند و جانانه تشویق می‌کنند، آمریکا و اسرائیل با سخت به وحشت انداخته‌اند؛ نه می‌توانند پیروز گردان و عقب‌نشینند و نه مخالفت کنند و رود در رو بایستند. سربردگی گپیچ‌کننده است، برگ برنده در دست حریف است و مردم مشتاق جهان چشم به دست او دارد و در انتظار، استعمار و استثمار، فریب‌کاری و بهره‌گیری از خشونت دودش‌ها به پایان رسیده و ره به جایی نمی‌برد. نسیم آزادی وزیدن گرفته و خس و خاشاک را از مسیر به سوی نور کنار می‌زند و این، همان طور که در آغاز اشاره کردیم، حکم مخوم تاریخ است که بازگشت‌ناپذیر و لازم‌الاجراست. خودکلمگان در سرتاسر جهان، چه آنها که قدرت خود را از منبعی لایزال و غیربشری، چنانکه که ادعا می‌شود، به دست می‌آورند و چه آن راقصان رقت‌انگیزی که بندشان به دست دیگری است؛ باید به این حقیقت گردن نهند که با قنلاری و اعمال خشونت و جنایت، خون‌ریزی، عوام‌فریبی و رباکاری نمی‌توانند بر اریکه فرمانروایی بمانند. این جمله زیبا و پر معنی لرداکتون را باید آویزه گوش کرد که:

**با سر نیزه خیلی کارها می‌توان کرد. ولی نمی‌توان روی آن نشست!**

برای فهم بهتر ایجاد کشور اسرائیل و عملکرد آن به عنوان حافظ منافع امپریالیسم به گفتگو برگردیم. درباره اعراب و اسرائیل در دو شماره شرق و مجله بخارا نگاه کنید.
۲-در همان نخستین روزهای پس از حادثه ۱۱ سپتامبر مقاله‌ای از من در مجله «اندیشه جامعه» به چاپ رسید با عنوان «آمران گریان در مصاف با ببرهای کافذی» به آن نگاه کنید.



مسعود رضوی فقیه

• • • • •

بهار عربی، عنوان سلسله تحولات و خیزش‌های آزادی‌خواهانسه‌ای بود که چندین و چند کشور عربی را دستخوش تحولات بزرگ سیاسی و اجتماعی کرد و اثری بزرگ بر جغرافیای سیاسی چند منطقه مهم گذاشت. هنوز این فصل ادامه دارد. کشورهایی که حکومت‌های آنها واژگون شد، تجربه‌های نوینی را از سر می‌گذراندند و تا رسیدن به ثبات و پایداری مجدد، راهی دشوار در پیش روی خواهند داشت. برخی دولت‌ها نیز با بهره‌گیری از ضعف و عدم انسجام در میان آزادی‌خواهان، از نیروهای سرکوبگر بهره گرفته و به صور مختلف در برابر ملت و آرمان‌های آن ایستادند. در لیبی، یمن، سوریه و بحرین، حاکمان به جنگ مردمان برخاستند و در اردن، مراکش و الجزایر، بهره‌گیری از نیروهای حایل و واسطه، در کنار اصلاحات نسبی و حداقلی، موجب کاهش کنش‌های آزادی‌خواهانه و نهضت‌های مردمی شد. برخی کشورهای آفریقایی- عربی نظیر سودان، اریتره و سومالی نیز به دلیل وقوع فقر، جنگ داخلی و مصایب طبیعی، بازتاب مشخصی از این فصل عربی که در نزدیکی‌شان رخ داد نشان ندادند. چند کشور ثروتمند و نفتی که اتحادیه شیخ‌نشین‌های حاشیه خلیج‌فارس را تشکیل می‌دهند، سواى از بحرین که بافت اجتماعی و مذهبی بسیار متفاوتی دارد، در برابر این پوییش بزرگ آزادی‌خواهانه، اثر کمتری گرفتند. ناراضیان این کشورها، اعم از شیعیان عربستان، مهاجران کویتی، کارگران قطری و عمانی، عده‌ای از مردمان طبقه متوسط، روشنفکران و جوانان تحصیل کرده نیز هستند، اما شرایط و قدرت مالی دولت‌ها، امکان انعطاف و مانور بیشتری به آنها داده و تا اینجا آنها را مصون نگاه داشته است. شاید این طبقه آمیورژواره و هراسی از پیش‌بینی‌گی اقتصادی در خاورمیانه بی‌ثبات و بحران گرفته، بعداً و به آهستگی درگیر اصلاحاتی دموکراتیک شوند و از این شرایط ثبات و انقباضی‌ت‌نازه را تجربه کنند. امری که قطری‌ها زودتر شروع کردند و در نظم و اصلاحات پیگیری‌شان، به ادغام در بازار جهانی و کسب اعتبار سیاسی و اقتصادی در میان قدرتهای برتر جهان معاصر، نزدیک شده‌اند.

پس می‌توان کشورهای عربی را در هنگامه وزش بادهای بهاری، به پنج گروه تقسیم کرد: ۱- تحولات سریع و تغییر رژیم‌های سیاسی در مصر و تونس ۲- رویارویی دولت‌های توتالیتر و سرکوبگر با مردم در یمن، لیبی و بحرین ۳- واکنش اصلاح‌گرایانه و پیش‌گیرانه در اردن، الجزایر و مراکش ۴- کنش اقتصادی به‌مثابه ابزارهای تاجیری جهت هضم یا رفع یا از سر گذاردن یا پذیرفتن بخشی از آرمان‌های آن در عربستان، کویت، امارات، عمان و قطر ۵- کشورهایی که به دلیل تضادها و تنازعات عظیم داخلی، در حاشیه بهار عربی باقی مانده و هنوز واکنشی نداشته‌اند از جمله سودان، عراق، محرا و... حجم تحولات و تکاثر اخبار سیاسی، البته در مورد کشورهای گروه دوم، یعنی یمن، لیبی، سوریه و بحرین بیشتر است. این چهار کشور به‌دلیل سرنوشته متفاوت دارند. بحرین به دلیل همگانی مذهبی و پیوند تاریخی میان اکثریت مردمانش با مردم ایران، وضعیت خاصی یافته است. ایران‌هراسی، که وجه مشترک دنیای غرب و جهان عرب است، محملی برای دولت آل خلیفه، رژیم تبهکار و نظامیان جنایت‌پیشه این کشور ایجاد کرده تا بدون دغدغه، به سرکوب قاطبه ملت بپردازند و نظیر همه رژیم‌های خودکامه به کشتن، شکنجه، حبس، تجاوز و فشار به مخالفان خود پرداخته و با گسترش رعب و تبلیغات دروغین، سران مخالفان را زندانی کرده و هواداران آنها را تحت پیگرد و فشار مضاعف قرار دهند تا کسی جرأت مخالفت با حکومت یا اظهار حقوق اولیه خود را نداشته باشد. باری، حکومت‌هایی نظیر بحرین، تا تبلیغ درباره اینکه مخالفان در ارتباط با عوامل خارجی هستند و از بیرون مرزها تحریک شده و حتی مزدور و دست‌مزدبگیر هستند و از پیشرفت‌های چشمگیر حکومت به خشم آمده و می‌خواهند جلولی آن را بگیرند، خود را مجاز به هر رفتار غیرقانونی و غیرانسانی‌ای می‌دانند. حمایت کشورهای هم‌پیمان و مشترک‌المنافع نیز حاشیه امنیتی برای آنها ایجاد کرده که در پرتو آن، مجازات و محکومیت و برخورد‌های جهانی هم هیچ هراسی به دل راه نمی‌دهند. در حال حاضر حمایت عربستان از بحرین، اعم از فشار بر هم‌پیمان آمریکایی و غربی این کشور تا گسیل نظامیان شبهه‌جنزیره به بحرین، الی‌غیره برای کشورهای اتحادیه عرب در حاشیه خلیج‌فارس ایجاد کرده که می‌تواند موجب دلگرمی بقیه حکومت‌های مزبور باشد تا درصورت وقوع هر جنبش مخالفی، این شیوه را به کار گیرند و مطمئن باشند که از حمایت متحدان منطقه‌ای برخوردار خواهند بود.

تنها درصورتی که عربستان دستخوش تحول جدی و عظیمی شود، این الگو دیگر کارآمد نخواهد بود و این کشورهای بی‌تاریخ، به‌مثابه زایدۀ آل‌سعود، محو و دگرگون خواهند شد. شورش اخیر شیعیان در برخی مناطق حاشیه‌ای عربستان، فشارهایی بر حکومت این کشور وارد می‌آورد، اما حقیقت آن است که فاقد قوت و گستردگی کافی برای ایجاد شکاف‌های بزرگ در این رژیم است. این کشورها، البته با تبلیغات گسترده تلویزیونی و ماهورای، نوعی فضاسازی کاذب در افکار عمومی داخلی را نیز دنبال می‌کنند. این تبلیغات، یک وجه ایجابی و یک جهت سلبی نیز دارد. جهت ایجابی بر پیشرفت اقتصادی و نزدیکی به کشورهای مدرن و قدرتمند جهان و ادغام در بازارهای جهانی معطوف است و جهت سلبی بر هراس‌های سه‌گانه زیر استوار است:

۱- ایران‌هراسی و بزرگ‌نمایی در خطر نظامی و امنیتی حکومت ایران ۲- هراس از تکرار تجربه لیبی و یمن و برهم‌خوردن نظم اقتصادی و درآمد‌های سرشار نفتی در خلیج‌فارس ۳- طرح مساله اسرائیل و استفاده از تضاد سنتی عرب - اسرائیلی که البته جز صدور برخی قطعنامه‌ها، تاکنون واکنشی در میان دولت‌های عربی نداشته است. ۱- ایران‌هراسی و بزرگ‌نمایی در خطر نظامی و امنیتی حکومت ایران ۲- هراس از تکرار تجربه لیبی و یمن و برهم‌خوردن نظم اقتصادی و درآمد‌های سرشار نفتی در خلیج‌فارس ۳- طرح مساله اسرائیل و استفاده از تضاد سنتی عرب - اسرائیلی که البته جز صدور برخی قطعنامه‌ها، تاکنون واکنشی در میان دولت‌های عربی نداشته است.

### اندیشه

# بهاران خجسته باد

#### تاملی شتابان در تحولات و اقلیم‌های مرتبط با بهار عربی



۱- ایران‌هراسی و بزرگ‌نمایی در خطر نظامی و امنیتی حکومت ایران ۲- هراس از تکرار تجربه لیبی و یمن و برهم‌خوردن نظم اقتصادی و درآمد‌های سرشار نفتی در خلیج‌فارس ۳- طرح مساله اسرائیل و استفاده از تضاد سنتی عرب - اسرائیلی که البته جز صدور برخی قطعنامه‌ها، تاکنون واکنشی در میان دولت‌های عربی نداشته است.

لیبی در میان کشورهای عربی وضع خاصی داشته و سرنوشت خاصی را نیز تجربه کرده است. برای فهم دلایل دخالت گسترده آمریکا و برخی کشورهای اروپایی - خاصه فرانسه، انگلستان و ایتالیا - و چند کشور غربی - نظیر قطر، عمان و عربستان - باید به چند مساله توجه کنیم: ۱- مساله نفت و اهمیت لیبی در بازارهای نفتی اروپایی ۲- مساله شخص قذافی و رفتارهای او و تمایلات تروریستی برخی از وابستگان و مزدورانش در دو دهه اخیر ۳- مساله امنیت مدیترانه و سواحل گسترده لیبی در کنار این دریای مهم ۴- مساله ایجاد پایگاه‌های مستقیم ناتو یا استقرار نیروها و تجهیزات امنیتی و نظامی آمریکا و اروپا در شمال آفریقا ۵- ایجاد ترابری نوین اقتصادی به شرق و شمال آفریقا و کاهش انحصار مصر و مراکش و گسترش کنترل بازارها در آینده.

حمله به لیبی، با توجه به مسایل مذکور قابل فهم است. غیرقابل پیش‌بینی بودن معمر قذافی، این حمله را محتمل و قابل پیش‌بینی کرده بود و اتحادیه کشورهای عربی به رهبری آمریکا و ناتو به لیبی یورش آوردند، با سقوط بنغازی در نخستین روزهای ناآرامی در لیبی و حمله ارتش لیبی به مردم عادی، بهانه لازم را جهت دخالت کسب کردند. قذافی، دیکتاتور عقب‌مانده‌ای که خود را رهبر انقلاب می‌خواند و نمی‌دانست مردم کشورش و دیگر مردمان در سراسر جهان چه نفتی از او و اعمالش دارند، با دست خود زمینه ویرانی کشور و سقط خود و خاندانش را فراهم کرد. درحال حاضر لیبی به شدت تضعیف شده و برای ساماندهی جامعه، حکومت و اقتصاد این کشور، به صورت گسترده نیازمند حمایت و کمک خارجی‌هاست. آمریکا و اروپا

در این زمینه نسبت بالا را دارند. از میان کشورهای اسلامی که به مرتکبه، عربستان و مصر مانند هم‌پیمانان ناتو عمل می‌کنند و البته در بازارها، بازسازی و منابع انرژی لیبی هم سهم خواهند داشت. تداوم بی‌ثباتی و جنگ داخلی در لیبی، به آمریکا و ناتو امکان داد تا عناصر نزدیک به خود را شناسایی و چشش کنند. همچنین نقشه استراتژیکی سرانجام نیازهای باالغعل و بالقوه این کشور به دست آورد. نیروهای لیبی بدون اجازه و جهت‌دهی این نیروها قابلیت هزینه ندارد و در عین حال باید به این نکته نیز توجه داشت که ممکن است با ایجاد پایگاه‌هایی در لیبی، مبارزه با بنیادگرایی اسلامی و گروه‌هایی نظیر القاعده در آفریقا نیز شمایل و شتاب تازه‌ای بگیرد. همچنین لیبی اقتصاد و اقلیم وسیع آن می‌تواند به‌مثابه منطقه حائل جهت جذب مهاجران آفریقایی عمل کند و از سرریز آنها به اروپا جلوگیری به عمل آورد. خطر نظامی و امنیتی که قذافی مولد آن بود، عجاناً از سد اروپاییان کنار رفته، مگر آنکه اتفاقات متفاوتی خارج از حیطه تعامل و تعادل نیروهای کنونی در چالش لیبی را شاهد باشیم و این امر چندان محتمل نیست.

یمن وضع پیچیده‌تری دارد. امنیت یمن تا حدی در عربستان گره خورده، در عین حال حضور شیعیان و نفوذ القاعده سبب شده تا دول غربی بااحتیاط بیشتری نسبت به این کشور موضع‌گیری نکنند. هنوز جنگ داخلی تمام‌جاری در یمن اتفاق نیفتاده و اگر چنین شود، بهترین فرصت برای القاعده و نیروهای بنیادگرایی این رژیم است. این کشورها، البته با تبلیغات گسترده تلویزیونی و ماهورایی، نوعی فضاسازی کاذب در افکار عمومی داخلی را نیز دنبال می‌کنند. این تبلیغات، یک وجه ایجابی و یک جهت سلبی نیز دارد. جهت ایجابی بر پیشرفت اقتصادی و نزدیکی به کشورهای مدرن و قدرتمند جهان و ادغام در بازارهای جهانی معطوف است و جهت سلبی بر هراس‌های سه‌گانه زیر استوار است:

در خلیج‌فارس روابط محدودی دارد، با ترکیه در رقابت است ولی نفوذ زیادی در عراق، سوریه و لبنان دارد که به‌مثابه عمق استراتژیک می‌تواند از آن بهره گیرد. ایران از برگ روسیه و چین در شورای امنیت استفاده می‌کند و در کاهش فشارهای غربی همواره از آن بهره برده است اما این امر هزینه زیادی داشته و خواهد داشت. ایران در مواجهه با مساله سوریه، به ناچار به تفکیک میان وقایع شده است. خلاصه مواضع ایران چنین است:

۱- محکومیت شدید دولت بحرین و رژیم آل خلیفه و اعمال غیرانسانی آنها ۲- حمایت از انقلاب‌های عربی در مصر، تونس، یمن و حتی برخی تحركات محدود در اردن و مراکش ۳- انفعال سیاسی و کم‌تحرکی در برابر لیبی، باوجود تبلیغات ضدقذافی در رسانه‌های دولتی ۴- انتقاد از سعودی‌ها و متحدانش، خاصه در مورد دخالت در بحرین ۵- حمایت از سوریه و محکوم کردن ناآرامی‌ها به‌عنوان دخالت خارجی برای بر هم زدن ثبات سوریه.

البته انتقاداتی به برخی تندروی‌ها در کشتار و شکنجه مردم می‌شود و نصایح هم جهت اصلاح امور و گفت‌وگو با مخالفان ابراز شده است.

با این چشم‌اندازها، می‌توان مطمئن بود که وضع جهان اسلام، دیگر مشابه وضع سابق نخواهد بود. افاق قرن بیست و یکم در کشورهای اسلامی، هیچ نسبتی با سده گذشته ندارد. نسل جوان و پویایی که در تعامل با آگاهی و ابزار از حکومت‌های خانوادگی، فردی و قبیلگی است، در جست‌وجوی منزلت و آزادی، کوشش‌های بیشتری ابراز خواهد کرد. نقش مهم این گروه‌های پویا و جوان، با بهره‌گیری از اخبار و اطلاعات و سیستم‌های ارتباطی و رسانه‌های آزاد، بیشتر و بیشتر خواهد شد.

اخیرا یکی از نویسنندگان برجسته مطبوعات در کشور، مقاله جالبی نوشت با عنوان «فریدون سه پسر داشت» و براساس الگوی اساطیری «سلم، تور و ایرج»، بر نقش فرهنگی و سیاسی و اقتصادی ایران، ترکیه و مصر در جهان اسلام تأکید کرد. درباره اهمیت تهران، آنکارا و قاهره، در حال حاضر و آینده کشورهای اسلامی، هیچ‌کس شک ندارد، اما مساله فراتر و نقش آفرینان متعددترند. تأثیرات و نقش‌های سیاسی ریاض و عربستان سعودی، امکان مانور لیبی در آینده، خیزش مالی و منطقه‌ای مازنی و اندونزی در شرق اسلامی، اثر گذاری پاکستان و سرانجام نقش‌های متفاوت آسیای میانه، عراق و... هر یک نیازمند فهم و تحلیلی خاص است.

به نظر می‌رسد چند قدرت موثر تر تازه در جهان اسلام- از شرق شبه‌قاره تا شمال آفریقا- در حال پیدایش است. این قدرتها، سواى وضع داخلی و توان اقتصادی، ممکن است در کنش‌های فرهنگی یا اجتماعی با ایجاد الگوهای متفاوت، دارای اثری گسترده و ژرف باشند. ما در ماه‌های اخیر نمونه‌ای مشخص و بارز از این نزدیک و همگونی سرنوشت‌ها را در نقطه‌ای که کسی احتمال نمی‌داد، ملاحظه کردیم. رخدادی کوچک در کشوری با موقعیت ژئوپلیتیکی نه‌چندان مهم، باگانه به عاملی سرنوشت‌ساز در زندگی مردمان ده‌ها کشور بزرگ و ظاهراً باثبات بدل شد. هنگامی که دانشجوی فقیری در پایتخت تونس دستفروشی می‌کرد، در اعتراض به وضع اسفانگیز اقتصادی و فراتر از آن، در واکنش به فساد فراگیر در دولت و نهادهای اداری و پلیسی کشورش، خود را به آتش کشید، به ناگاه میلیون‌ها تن از جوانان میهنش را روح زخم‌دیده و دردمند و بی‌اعتنا به افکار ملت را درهم پیچید. از تونس تا اسلام- از شرق شبه‌قاره تا شمال آفریقا- در حال پیدایش است. این قدرتها، سواى وضع داخلی و توان اقتصادی، ممکن است در کنش‌های فرهنگی یا اجتماعی با ایجاد الگوهای متفاوت، دارای اثری گسترده و ژرف باشند. ما در ماه‌های اخیر نمونه‌ای مشخص و بارز از این نزدیک و همگونی سرنوشت‌ها را در نقطه‌ای که کسی احتمال نمی‌داد، ملاحظه کردیم. رخدادی کوچک در کشوری با موقعیت ژئوپلیتیکی نه‌چندان مهم، باگانه به عاملی سرنوشت‌ساز در زندگی مردمان ده‌ها کشور بزرگ و ظاهراً باثبات بدل شد. هنگامی که دانشجوی فقیری در پایتخت تونس دستفروشی می‌کرد، در اعتراض به وضع اسفانگیز اقتصادی و فراتر از آن، در واکنش به فساد فراگیر در دولت و نهادهای اداری و پلیسی کشورش، خود را به آتش کشید، به ناگاه میلیون‌ها تن از جوانان میهنش را روح زخم‌دیده و دردمند و بی‌اعتنا به افکار ملت را درهم پیچید. از تونس تا اسلام- از شرق شبه‌قاره تا شمال آفریقا- در حال پیدایش است. این قدرتها، سواى وضع داخلی و توان اقتصادی، ممکن است در کنش‌های فرهنگی یا اجتماعی با ایجاد الگوهای متفاوت، دارای اثری گسترده و ژرف باشند. ما در ماه‌های اخیر نمونه‌ای مشخص و بارز از این نزدیک و همگونی سرنوشت‌ها را در نقطه‌ای که کسی احتمال نمی‌داد، ملاحظه کردیم. رخدادی کوچک در کشوری با موقعیت ژئوپلیتیکی نه‌چندان مهم، باگانه به عاملی سرنوشت‌ساز در زندگی مردمان ده‌ها کشور بزرگ و ظاهراً باثبات بدل شد. هنگامی که دانشجوی فقیری در پایتخت تونس دستفروشی می‌کرد، در اعتراض به وضع اسفانگیز اقتصادی و فراتر از آن، در واکنش به فساد فراگیر در دولت و نهادهای اداری و پلیسی کشورش، خود را به آتش کشید، به ناگاه میلیون‌ها تن از جوانان میهنش را روح زخم‌دیده و دردمند و بی‌اعتنا به افکار ملت را درهم پیچید. از تونس تا اسلام- از شرق شبه‌قاره تا شمال آفریقا- در حال پیدایش است. این قدرتها، سواى وضع داخلی و توان اقتصادی، ممکن است در کنش‌های فرهنگی یا اجتماعی با ایجاد الگوهای متفاوت، دارای اثری گسترده و ژرف باشند. ما در ماه‌های اخیر نمونه‌ای مشخص و بارز از این نزدیک و همگونی سرنوشت‌ها را در نقطه‌ای که کسی احتمال نمی‌داد، ملاحظه کردیم. رخدادی کوچک در کشوری با موقعیت ژئوپلیتیکی نه‌چندان مهم، باگانه به عاملی سرنوشت‌ساز در زندگی مردمان ده‌ها کشور بزرگ و ظاهراً باثبات بدل شد. هنگامی که دانشجوی فقیری در پایتخت تونس دستفروشی می‌کرد، در اعتراض به وضع اسفانگیز اقتصادی و فراتر از آن، در واکنش به فساد فراگیر در دولت و نهادهای اداری و پلیسی کشورش، خود را به آتش کشید، به ناگاه میلیون‌ها تن از جوانان میهنش را روح زخم‌دیده و دردمند و بی‌اعتنا به افکار ملت را درهم پیچید. از تونس تا اسلام- از شرق شبه‌قاره تا شمال آفریقا- در حال پیدایش است. این قدرتها، سواى وضع داخلی و توان اقتصادی، ممکن است در کنش‌های فرهنگی یا اجتماعی با ایجاد الگوهای متفاوت، دارای اثری گسترده و ژرف باشند. ما در ماه‌های اخیر نمونه‌ای مشخص و بارز از این نزدیک و همگونی سرنوشت‌ها را در نقطه‌ای که کسی احتمال نمی‌داد، ملاحظه کردیم. رخدادی کوچک در کشوری با موقعیت ژئوپلیتیکی نه‌چندان مهم، باگانه به عاملی سرنوشت‌ساز در زندگی مردمان ده‌ها کشور بزرگ و ظاهراً باثبات بدل شد. هنگامی که دانشجوی فقیری در پایتخت تونس دستفروشی می‌کرد، در اعتراض به وضع اسفانگیز اقتصادی و فراتر از آن، در واکنش به فساد فراگیر در دولت و نهادهای اداری و پلیسی کشورش، خود را به آتش کشید، به ناگاه میلیون‌ها تن از جوانان میهنش را روح زخم‌دیده و دردمند و بی‌اعتنا به افکار ملت را درهم پیچید. از تونس تا اسلام- از شرق شبه‌قاره تا شمال آفریقا- در حال پیدایش است. این قدرتها، سواى وضع داخلی و توان اقتصادی، ممکن است در کنش‌های فرهنگی یا اجتماعی با ایجاد الگوهای متفاوت، دارای اثری گسترده و ژرف باشند. ما در ماه‌های اخیر نمونه‌ای مشخص و بارز از این نزدیک و همگونی سرنوشت‌ها را در نقطه‌ای که کسی احتمال نمی‌داد، ملاحظه کردیم. رخدادی کوچک در کشوری با موقعیت ژئوپلیتیکی نه‌چندان مهم، باگانه به عاملی سرنوشت‌ساز در زندگی مردمان ده‌ها کشور بزرگ و ظاهراً باثبات بدل شد. هنگامی که دانشجوی فقیری در پایتخت تونس دستفروشی می‌کرد، در اعتراض به وضع اسفانگیز اقتصادی و فراتر از آن، در واکنش به فساد فراگیر در دولت و نهادهای اداری و پلیسی کشورش، خود را به آتش کشید، به ناگاه میلیون‌ها تن از جوانان میهنش را روح زخم‌دیده و دردمند و بی‌اعتنا به افکار ملت را درهم پیچید. از تونس تا اسلام- از شرق شبه‌قاره تا شمال آفریقا- در حال پیدایش است. این قدرتها، سواى وضع داخلی و توان اقتصادی، ممکن است در کنش‌های فرهنگی یا اجتماعی با ایجاد الگوهای متفاوت، دارای اثری گسترده و ژرف باشند. ما در ماه‌های اخیر نمونه‌ای مشخص و بارز از این نزدیک و همگونی سرنوشت‌ها را در نقطه‌ای که کسی احتمال نمی‌داد، ملاحظه کردیم. رخدادی کوچک در کشوری با موقعیت ژئوپلیتیکی نه‌چندان مهم، باگانه به عاملی سرنوشت‌ساز در زندگی مردمان ده‌ها کشور بزرگ و ظاهراً باثبات بدل شد. هنگامی که دانشجوی فقیری در پایتخت تونس دستفروشی می‌کرد، در اعتراض به وضع اسفانگیز اقتصادی و فراتر از آن، در واکنش به فساد فراگیر در دولت و نهادهای اداری و پلیسی کشورش، خود را به آتش کشید، به ناگاه میلیون‌ها تن از جوانان میهنش را روح زخم‌دیده و دردمند و بی‌اعتنا به افکار ملت را درهم پیچید. از تونس تا اسلام- از شرق شبه‌قاره تا شمال آفریقا- در حال پیدایش است. این قدرتها، سواى وضع داخلی و توان اقتصادی، ممکن است در کنش‌های فرهنگی یا اجتماعی با ایجاد الگوهای متفاوت، دارای اثری گسترده و ژرف باشند. ما در ماه‌های اخیر نمونه‌ای مشخص و بارز از این نزدیک و همگونی سرنوشت‌ها را در نقطه‌ای که کسی احتمال نمی‌داد، ملاحظه کردیم. رخدادی کوچک در کشوری با موقعیت ژئوپلیتیکی نه‌چندان مهم، باگانه به عاملی سرنوشت‌ساز در زندگی مردمان ده‌ها کشور بزرگ و ظاهراً باثبات بدل شد. هنگامی که دانشجوی فقیری در پایتخت تونس دستفروشی می‌کرد، در اعتراض به وضع اسفانگیز اقتصادی و فراتر از آن، در واکنش به فساد فراگیر در دولت و نهادهای اداری و پلیسی کشورش، خود را به آتش کشید، به ناگاه میلیون‌ها تن از جوانان میهنش را روح زخم‌دیده و دردمند و بی‌اعتنا به افکار ملت را درهم پیچید. از تونس تا اسلام- از شرق شبه‌قاره تا شمال آفریقا- در حال پیدایش است. این قدرتها، سواى وضع داخلی و توان اقتصادی، ممکن است در کنش‌های فرهنگی یا اجتماعی با ایجاد الگوهای متفاوت، دارای اثری گسترده و ژرف باشند. ما در ماه‌های اخیر نمونه‌ای مشخص و بارز از این نزدیک و همگونی سرنوشت‌ها را در نقطه‌ای که کسی احتمال نمی‌داد، ملاحظه کردیم. رخدادی کوچک در کشوری با موقعیت ژئوپلیتیکی نه‌چندان مهم، باگانه به عاملی سرنوشت‌ساز در زندگی مردمان ده‌ها کشور بزرگ و ظاهراً باثبات بدل شد. هنگامی که دانشجوی فقیری در پایتخت تونس دستفروشی می‌کرد، در اعتراض به وضع اسفانگیز اقتصادی و فراتر از آن، در واکنش به فساد فراگیر در دولت و نهادهای اداری و پلیسی کشورش، خود را به آتش کشید، به ناگاه میلیون‌ها تن از جوانان میهنش را روح زخم‌دیده و دردمند و بی‌اعتنا به افکار ملت را درهم پیچید. از تونس تا اسلام- از شرق شبه‌قاره تا شمال آفریقا- در حال پیدایش است. این قدرتها، سواى وضع داخلی و توان اقتصادی، ممکن است در کنش‌های فرهنگی یا اجتماعی با ایجاد الگوهای متفاوت، دارای اثری گسترده و ژرف باشند. ما در ماه‌های اخیر نمونه‌ای مشخص و بارز از این نزدیک و همگونی سرنوشت‌ها را در نقطه‌ای که کسی احتمال نمی‌داد، ملاحظه کردیم. رخدادی کوچک در کشوری با موقعیت ژئوپلیتیکی نه‌چندان مهم، باگانه به عاملی سرنوشت‌ساز در زندگی مردمان ده‌ها کشور بزرگ و ظاهراً باثبات بدل شد. هنگامی که دانشجوی فقیری در پایتخت تونس دستفروشی می‌کرد، در اعتراض به وضع اسفانگیز اقتصادی و فراتر از آن، در واکنش به فساد فراگیر در دولت و نهادهای اداری و پلیسی کشورش، خود را به آتش کشید، به ناگاه میلیون‌ها تن از جوانان میهنش را روح زخم‌دیده و دردمند و بی‌اعتنا به افکار ملت را درهم پیچید. از تونس تا اسلام- از شرق شبه‌قاره تا شمال آفریقا- در حال پیدایش است. این قدرتها، سواى وضع داخلی و توان اقتصادی، ممکن است در کنش‌های فرهنگی یا اجتماعی با ایجاد الگوهای متفاوت، دارای اثری گسترده و ژرف باشند. ما در ماه‌های اخیر نمونه‌ای مشخص و بارز از این نزدیک و همگونی سرنوشت‌ها را در نقطه‌ای که کسی احتمال نمی‌داد، ملاحظه کردیم. رخدادی کوچک در کشوری با موقعیت ژئوپلیتیکی نه‌چندان مهم، باگانه به عاملی سرنوشت‌ساز در زندگی مردمان ده‌ها کشور بزرگ و ظاهراً باثبات بدل شد. هنگامی که دانشجوی فقیری در پایتخت تونس دستفروشی می‌کرد، در اعتراض به وضع اسفانگیز اقتصادی و فراتر از آن، در واکنش به فساد فراگیر در دولت و نهادهای اداری و پلیسی کشورش، خود را به آتش کشید، به ناگاه میلیون‌ها تن از جوانان میهنش را روح زخم‌دیده و دردمند و بی‌اعتنا به افکار ملت را درهم پیچید. از تونس تا اسلام- از شرق شبه‌قاره تا شمال آفریقا- در حال پیدایش است. این قدرتها، سواى وضع داخلی و توان اقتصادی، ممکن است در کنش‌های فرهنگی یا اجتماعی با ایجاد الگوهای متفاوت، دارای اثری گسترده و ژرف باشند. ما در ماه‌های اخیر نمونه‌ای مشخص و بارز از این نزدیک و همگونی سرنوشت‌ها را در نقطه‌ای که کسی احتمال نمی‌داد، ملاحظه کردیم. رخدادی کوچک در کشوری با موقعیت ژئوپلیتیکی نه‌چندان مهم، باگانه به عاملی سرنوشت‌ساز در زندگی مردمان ده‌ها کشور بزرگ و ظاهراً باثبات بدل شد. هنگامی که دانشجوی فقیری در پایتخت تونس دستفروشی می‌کرد، در اعتراض به وضع اسفانگیز اقتصادی و فراتر از آن، در واکنش به فساد فراگیر در دولت و نهادهای اداری و پلیسی کشورش، خود را به آتش کشید، به ناگاه میلیون‌ها تن از جوانان میهنش را روح زخم‌دیده و دردمند و بی‌اعتنا به افکار ملت را درهم پیچید. از تونس تا اسلام- از شرق شبه‌قاره تا شمال آفریقا- در حال پیدایش است. این قدرتها، سواى وضع داخلی و توان اقتصادی، ممکن است در کنش‌های فرهنگی یا اجتماعی با ایجاد الگوهای متفاوت، دارای اثری گسترده و ژرف باشند. ما در ماه‌های اخیر نمونه‌ای مشخص و بارز از این نزدیک و همگونی سرنوشت‌ها را در نقطه‌ای که کسی احتمال نمی‌داد، ملاحظه کردیم. رخدادی کوچک در کشوری با موقعیت ژئوپلیتیکی نه‌چندان مهم، باگانه به عاملی سرنوشت‌ساز در زندگی مردمان ده‌ها کشور بزرگ و ظاهراً باثبات بدل شد. هنگامی که دانشجوی فقیری در پایتخت تونس دستفروشی می‌کرد، در اعتراض به وضع اسفانگیز اقتصادی و فراتر از آن، در واکنش به فساد فراگیر در دولت و نهادهای اداری و پلیسی کشورش، خود را به آتش کشید، به ناگاه میلیون‌ها تن از جوانان میهنش را روح زخم‌دیده و دردمند و بی‌اعتنا به افکار ملت را درهم پیچید. از تونس تا اسلام- از شرق شبه‌قاره تا شمال آفریقا- در حال پیدایش است. این قدرتها، سواى وضع داخلی و توان اقتصادی، ممکن است در کنش‌های فرهنگی یا اجتماعی با ایجاد الگوهای متفاوت، دارای اثری گسترده و ژرف باشند. ما در ماه‌های اخیر نمونه‌ای مشخص و بارز از این نزدیک و همگونی سرنوشت‌ها را در نقطه‌ای که کسی احتمال نمی‌داد، ملاحظه کردیم. رخدادی کوچک در کشوری با موقعیت ژئوپلیتیکی نه‌چندان مهم، باگانه به عاملی سرنوشت‌ساز در زندگی مردمان ده‌ها کشور بزرگ و ظاهراً باثبات بدل شد. هنگامی که دانشجوی فقیری در پایتخت تونس دستفروشی می‌کرد، در اعتراض به وضع اسفانگیز اقتصادی و فراتر از آن، در واکنش به فساد فراگیر در دولت و نهادهای اداری و پلیسی کشورش، خود را به آتش کشید، به ناگاه میلیون‌ها تن از جوانان میهنش را روح زخم‌دیده و دردمند و بی‌اعتنا به افکار ملت را درهم پیچید. از تونس تا اسلام- از شرق شبه‌قاره تا شمال آفریقا- در حال پیدایش است. این قدرتها، سواى وضع داخلی و توان اقتصادی، ممکن است در کنش‌های فرهنگی یا اجتماعی با ایجاد الگوهای متفاوت، دارای اثری گسترده و ژرف باشند. ما در ماه‌های اخیر نمونه‌ای مشخص و بارز از این نزدیک و همگونی سرنوشت‌ها را در نقطه‌ای که کسی احتمال نمی‌داد، ملاحظه کردیم. رخدادی کوچک در کشوری با موقعیت ژئوپلیتیکی نه‌چندان مهم، باگانه به عاملی سرنوشت‌ساز در زندگی مردمان ده‌ها کشور بزرگ و ظاهراً باثبات بدل شد. هنگامی که دانشجوی فقیری در پایتخت تونس دستفروشی می‌کرد، در اعتراض به وضع اسفانگیز اقتصادی و فراتر از آن، در واکنش به فساد فراگیر در دولت و نهادهای اداری و پلیسی کشورش، خود را به آتش کشید، به ناگاه میلیون‌ها تن از جوانان میهنش را روح زخم‌دیده و دردمند و بی‌اعتنا به افکار ملت را درهم پیچید. از تونس تا اسلام- از شرق شبه‌قاره تا شمال آفریقا- در حال پیدایش است. این قدرتها، سواى وضع داخلی و توان اقتصادی، ممکن است در کنش‌های فرهنگی یا اجتماعی با ایجاد الگوهای متفاوت، دارای اثری گسترده و ژرف باشند. ما در ماه‌های اخیر نمونه‌ای مشخص و بارز از این نزدیک و همگونی سرنوشت‌ها را در نقطه‌ای که کسی احتمال نمی‌داد، ملاحظه کردیم. رخدادی کوچک در کشوری با موقعیت ژئوپلیتیکی نه‌چندان مهم، باگانه به عاملی سرنوشت‌ساز در زندگی مردمان ده‌ها کشور بزرگ و ظاهراً باثبات بدل شد. هنگامی که دانشجوی فقیری در پایتخت تونس دستفروشی می‌کرد، در اعتراض به وضع اسفانگیز اقتصادی و فراتر از آن، در واکنش به فساد فراگیر در دولت و نهادهای اداری و پلیسی کشورش، خود را به آتش کشید، به ناگاه میلیون‌ها تن از جوانان میهنش را روح زخم‌دیده و دردمند و بی‌اعتنا به افکار ملت را درهم پیچید. از تونس تا اسلام- از شرق شبه‌قاره تا شمال آفریقا- در حال پیدایش است. این قدرتها، سواى وضع داخلی و توان اقتصادی، ممکن است در کنش‌های فرهنگی یا اجتماعی با ایجاد الگوهای متفاوت، دارای اثری گسترده و ژرف باشند. ما در ماه‌های اخیر نمونه‌ای مشخص و بارز از این نزدیک و همگونی سرنوشت‌ها را در نقطه‌ای که کسی احتمال نمی‌داد، ملاحظه کردیم. رخدادی کوچک در کشوری با موقعیت ژئوپلیتیکی نه‌چندان مهم، باگانه به عاملی سرنوشت‌ساز در زندگی مردمان ده‌ها کشور بزرگ و ظاهراً باثبات بدل شد. هنگامی که دانشجوی فقیری در پایتخت تونس دستفروشی می‌کرد، در اعتراض به وضع اسفانگیز اقتصادی و فراتر از آن، در واکنش به فساد فراگیر در دولت و نهادهای اداری و پلیسی کشورش، خود را به آتش کشید، به ناگاه میلیون‌ها تن از جوانان میهنش را روح زخم‌دیده و دردمند و بی‌اعتنا به افکار ملت را درهم پیچید. از تونس تا اسلام- از شرق شبه‌قاره تا شمال آفریقا- در حال پیدایش است. این قدرتها، سواى وضع داخلی و توان اقتصادی، ممکن است در کنش‌های فرهنگی یا اجتماعی با ایجاد الگوهای متفاوت، دارای اثری گسترده و ژرف باشند. ما در ماه‌های اخیر نمونه‌ای مشخص و بارز از این نزدیک و همگونی سرنوشت‌ها را در نقطه‌ای که کسی احتمال نمی‌داد، ملاحظه کردیم. رخدادی کوچک در کشوری با موقعیت ژئوپلیتیکی نه‌چندان مهم، باگانه به عاملی سرنوشت‌ساز در زندگی مردمان ده‌ها کشور بزرگ و ظاهراً باثبات بدل شد. هنگامی که دانشجوی فقیری در پایتخت تونس دستفروشی می‌کرد، در اعتراض به وضع اسفانگیز اقتصادی و فراتر از آن، در واکنش به فساد فراگیر در دولت و نهادهای اداری و پلیسی کشورش، خود را به آتش کشید، به ناگاه میلیون‌ها تن از جوانان میهنش را روح زخم‌دیده و دردمند و بی‌اعتنا به افکار ملت را درهم پیچید. از تونس تا اسلام- از شرق شبه‌قاره تا شمال آفریقا- در حال پیدایش است. این قدرتها، سواى وضع داخلی و توان اقتصادی، ممکن است در کنش‌های فرهنگی یا اجتماعی با ایجاد الگوهای متفاوت، دارای اثری گسترده و ژرف باشند. ما در ماه‌های اخیر نمونه‌ای مشخص و بارز از این نزدیک و همگونی سرنوشت‌ها را در نقطه‌ای که کسی احتمال نمی‌داد، ملاحظه کردیم. رخدادی کوچک در کشوری با موقعیت ژئوپلیتیکی نه‌چندان مهم، باگانه به عاملی سرنوشت‌ساز در زندگی مردمان ده‌ها کشور بزرگ و ظاهراً باثبات بدل شد. هنگامی که دانشجوی فقیری در پایتخت تونس دستفروشی می‌کرد، در اعتراض به وضع اسفانگیز اقتصادی و فراتر از آن، در واکنش به فساد فراگیر در دولت و نهادهای اداری و پلیسی کشورش، خود را به آتش کشید، به ناگاه میلیون‌ها تن از جوانان میهنش را روح زخم‌دیده و دردمند و بی‌اعتنا به افکار ملت را درهم پیچید. از تونس تا اسلام- از شرق شبه‌قاره تا شمال آفریقا- در حال پیدایش است. این قدرتها، سواى وضع داخلی و توان اقتصادی، ممکن است در کنش‌های فرهنگی یا اجتماعی با ایجاد الگوهای متفاوت، دارای اثری گسترده و ژرف باشند. ما در ماه‌های اخیر نمونه‌ای مشخص و بارز از این نزدیک و همگونی سرنوشت‌ها را در نقطه‌ای که کسی احتمال نمی‌داد، ملاحظه کردیم. رخدادی کوچک در کشوری با موقعیت ژئوپلیتیکی نه‌چندان مهم، باگانه به عاملی سرنوشت‌ساز در زندگی مردمان ده‌ها کشور بزرگ و ظاهراً باثبات بدل شد. هنگامی که دانشجوی فقیری در پایتخت تونس دستفروشی می‌کرد، در اعتراض به وضع اسفانگیز اقتصادی و فراتر از آن، در واکنش به فساد فراگیر در دولت و نهادهای اداری و پلیسی کشورش، خود را به آتش کشید، به ناگاه میلیون‌ها تن از جوانان میهنش را روح زخم‌دیده و دردمند و بی‌اعتنا به افکار ملت را درهم پیچید. از تونس تا اسلام- از شرق شبه‌قاره تا شمال آفریقا- در حال پیدایش است. این قدرتها، سواى وضع داخلی و توان اقتصادی، ممکن است در کنش‌های فرهنگی یا اجتماعی با ایجاد الگوهای متفاوت، دارای اثری گسترده و ژرف باشند. ما در ماه‌های اخیر نمونه‌ای مشخص و بارز از این نزدیک و همگونی سرنوشت‌ها را در نقطه‌ای که کسی احتمال نمی‌داد، ملاحظه کردیم. رخدادی کوچک در کشوری با موقعیت ژئوپلیتیکی نه‌چندان مهم، باگانه به عاملی سرنوشت‌ساز در زندگی مردمان ده‌ها کشور بزرگ و ظاهراً باثبات بدل شد. هنگامی که دانشجوی فقیری در پایتخت تونس دستفروشی می‌کرد، در اعتراض به وضع اسفانگیز اقتصادی و فراتر از آن، در واکنش به فساد فراگیر در دولت و نهادهای اداری و پلیسی کشورش، خود را به آتش کشید، به ناگاه میلیون‌ها تن از جوانان میهنش را روح زخم‌دیده و دردمند و بی‌اعتنا به افکار ملت را درهم پیچید. از تونس تا اسلام- از شرق شبه‌قاره تا شمال آفریقا- در حال پیدایش است. این قدرتها، سواى وضع داخلی و توان اقتصادی، ممکن است در کنش‌های فرهنگی یا اجتماعی با ایجاد الگوهای متفاوت، دارای اثری گسترده و ژرف باشند. ما در ماه‌های اخیر نمونه‌ای مشخص و بارز از این نزدیک و همگونی سرنوشت‌ها را در نقطه‌ای که کسی احتمال نمی‌داد، ملاحظه کردیم. رخدادی کوچک در کشوری با موقعیت ژئوپلیتیکی نه‌چندان مهم، باگانه به عاملی سرنوشت‌ساز در زندگی مردمان ده‌ها کشور بزرگ و ظاهراً باثبات بدل شد. هنگامی که دانشجوی فقیری در پایتخت تونس دستفروشی می‌کرد، در اعتراض به وضع اسفانگیز اقتصادی و فراتر از آن، در واکنش به فساد فراگیر در دولت و نهادهای اداری و پلیسی کشورش، خود را به